



باز خوانی جنگ‌های منطقه‌ای در دوران قاجار

• علی ططری
• حسین سخنور

- جنگ انگلیس و عثمانی در بین‌النهرین و عواقب آن در ایران
- عباس میرزا فرمانفرمایان
- به کوشش: دکتر منصوره اتحادیه و بهمن فرمان
- انتشارات سیامک؛ چاپ اول، ۱۳۸۶، ۳۸۴ صفحه

که در این کتاب ابعادی از آن روشن می‌شود. بخش‌هایی از کتاب مقدماتی است بر تأثیرات سیاست‌های انگلیس در سرنوشت عراق و ترکیه. اهتمام انگلیس به جنگ‌های منطقه‌ای و حمایت از برخی از کشورها، موجب بروز اختلافاتی می‌شود که نتیجه آن تشکیل کشور عراق است.

انتقادات و مشکلات احتمالی کتاب هنوز مشخص نشده است؛ زیرا همان‌طور که گفته شد این کتاب نسخه‌ای است که اولین بار مورد بازبینی قرار گرفته است و تا به حال به رؤیت اساتید و محققان متخصص تاریخ نرسیده است. در گام اول این اسناد جمع‌آوری شد تا سایر محققین و پژوهشگران بتوانند از مطالب آن استفاده کنند. مطالبی که به هر روی بخشی از تاریخ معاصر ایران را بازگو می‌کند که حاوی اطلاعات سودمندی است و می‌تواند در تحلیل و بررسی این مقطع تاریخی راهگشای متخصصین باشد.

حسین سخنور

اشاره

پس از شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م در اروپا، احمدشاه قاجار و مستوفی‌الممالک، نخست‌وزیر وقت اعلان بی‌طرفی ایران را در جنگ جهانی اول رسماً اعلام کردند و خواستار احترام به این بی‌طرفی از طرف دول متخاصم گردیدند.

در شرایطی که ایران به سبب جریانات و وقایع بعد از انقلاب مشروطه دچار هرج و مرج و ضعف کلی شده بود، آغاز جنگ جهانی اول مناطق مرزی ایران را به تنش‌هایی وا داشت. وجود ایران در مسیر سوق‌الجیشی و شاهراه بین‌المللی منطقه خاورمیانه و قرار گرفتن آن بر روی ذخایر غنی نفتی سبب شد که هر چند دولت ایران بارها و در طی سال‌های جنگ بی‌طرفی خود را اعلام کرد، اما از عواقب و تجاوزات

کتاب «جنگ انگلیس و عثمانی در بین‌النهرین و عواقب آن در ایران»، به بازخوانی جنگ‌های منطقه‌ای دوران قاجار با رویکرد و تأثیرات و تبعات آن در ایران، می‌پردازد. البته در تألیف کتاب از متون اصلی استفاده شده است که شرح آن از زبان مؤلف کتاب دکتر منصوره اتحادیه در پی می‌آید:

منابع مورد ملاحظه کتاب از متون اصلی محسوب می‌شود که هم‌زمان با جنگ‌های این دوره نگاشته شده است. مرجع اصلی کتاب مذکور دست‌نوشته‌هایی است که به‌عنوان اسناد تاریخی می‌توان از آن بهره جست، کتاب تألیف و ترجمه است از زبان‌های ترکی و انگلیسی که نمونه آن در کتب مشابه تاریخی وجود ندارد و از لحاظ تاریخی جزئیاتی در آن اسناد ذکر شده است که می‌تواند مورد توجه و استفاده محققین و پژوهشگران قرار گیرد. جلد اول این کتاب، سرنوشت کامل عباس میرزا را تشریح می‌کند که برگرفته از دو رساله «ناپلئون و ایران» و «یک سال در قشون فرانسه» است. زیرا عباس میرزا تحصیلاتش را در رشته نظام در فرانسه تکمیل کرد و از افرادی بود که طی جنگ جهانی اول همراه سایر مهاجرین از ایران خارج شد و پس از آن، به‌عنوان وزیر جنگ کابینه نظام‌السلطنه، در جنگ‌های آن دوران حضور داشت. در تاریخ این ایام، عباس میرزا نقش محوری در جنگ‌ها دارد و اسناد موجود نیز به این مهم اشاره می‌کند عباس میرزا پس از گذشت این دوران و با روی کار آمدن رضاخان، از سیاست کناره‌گیری می‌کند و عمر حضور او در عرصه‌های سیاسی و نظامی به پایان می‌رسد. در کتاب «جنگ انگلیس و عثمانی در بین‌النهرین و عواقب آن در ایران»، مقاطع مختلف این زندگی پرفراز و نشیب مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ ضمن آن که توجه کتاب به جنگ‌های خارج از ایران است و ادامه این سیاست‌ها و درگیری‌ها در ایران.

یکی دیگر از وجوه اهمیت کتاب مذکور سرنوشت کشور عراق است



سالار لشکر و صاحب منصبان انگلیسی ژنرال فورس، هنگام بازگشت از باکو به بغداد، کرمانشاه، طاق بستان، زمان حکم رانی سالار لشکر در کرمانشاه، سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ م.

کتاب «جنگ انگلیس و عثمانی در بین‌النهرین و عواقب آن در ایران»، به بازخوانی جنگ‌های منطقه‌ای دوران قاجار با رویکرد و تأثیرات و تبعات آن در ایران، می‌پردازد؛ مرجع اصلی کتاب دست‌نوشته‌هایی است که به‌عنوان اسناد تاریخی می‌توان از آن بهره جست

حمله به لوله‌های نفتی گسیل داشت که در سرتاسر خوزستان امتداد می‌یافت. «نیروهای انگلیسی نیز جنوب غربی کشور را در اشغال داشتند و روس‌ها هم به‌خاطر مقابله با تهاجمات ارتش عثمانی، به چاه‌های نفت باکو با تجاوز به خاک ایران در شمال کشور سپر دفاعی تشکیل دادند.

در اواخر جنگ در برخی از نواحی غرب کشور، تعدیات عثمانی به جایی رسیده بود که دولت آلمان، نزدیک‌ترین متحد آن، به تحرکات و تجاوزات ارتش عثمانی معترض شد. در کرمانشاه تجاوزات و ظلم ارتش عثمانی به نهایت رسید. تا آن که مردم به ستوه آمدند و برای مقابله با یک کشور مسلمان (عثمانی) از روسیه تظلم‌خواهی نمودند و از آنها برای رفع شر ترکان عثمانی یاری طلبیدند. همچنین، احزاب، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی در این مناطق جهت مقاومت در برابر تجاوزات دول متخاصم شکل گرفت. به هر ترتیب، جنگ جهانی اول تأثیرات

دول متخاصم مصون نماند. وجود چاه‌های نفت باکو در شمال ایران و چاه‌های نفت خوزستان در جنوب و قرار داشتن ایران بر سر راه هندوستان، که به نحوی در طول تاریخ کلید شبه‌قاره هند به شمار می‌آمد، ایران را ناخواسته وارد جریانی کرد که غیر از آسیب و ضرر برای ملت زجر کشیده صفحات مرزی کشور هیچ تحفه‌ای به همراه نداشت؛ قحطی، امراض و آگیردار، ویرانی کشاورزی و اقتصاد کشور، کمترین نتایج این جنگ برای ایران بود. علاوه بر این، مشکل درگیری دول متخاصم در داخل خاک ایران صدمات جبران‌ناپذیری برای کشورمان در پی داشت. عثمانی و روسیه و انگلیس در این زمان با نادیده انگاشت قوانین بین‌المللی، علاوه بر تجاوزات مرزی، مدتی نیز با حمله به اتباع و کارمندان و سفارت‌خانه‌ها و کنسول‌گیری‌های یکدیگر، باعث نابسامانی‌های داخلی مضاعفی شدند. البته افکار عمومی در ایران در زمان جنگ جهانی اول به دلیل پیشینه سیاست‌های استعماری انگلستان و روسیه در ایران، به سوی عثمانی و آلمان متمایل بود. مردم ایران هنوز خاطره ایالت‌هایی را که روسیه در جنگ‌های ایران و روس از ایران منتزع نموده بود، فراموش نکرده بودند و همین‌طور سیاست‌ها و حیل‌های انگلستان از خاطره‌ها محو نشده بود. بنابراین، حس بدبینی نسبت به انگلیس و روس در اذهان عمومی به وجود آمده بود.

در زمان بروز جنگ جهانی اول، یکی از اولین موارد نقض بی‌طرفی ایران از سوی عثمانی صورت گرفت. این کشور نیروهایی را برای

انتقادات و مشکلات احتمالی کتاب هنوز مشخص نشده است؛ زیرا این کتاب نسخه‌ای است که اولین بار مورد بازبینی قرار گرفته است و تا به حال به رؤیت اساتید و محققان متخصص تاریخ نرسیده است

بازیابی و ویرایش علمی و رفع ایرادات کتاب و به طور خلاصه تهیه مقدمات چاپ آن در پی آمده است.

در پایان، نگارندهٔ دیباچه با بیان اینکه «در زبان فارسی، تا به حال سابقه نداشته که یک صاحب منصب ایرانی، روایتی مکتوب و گزارشی تحلیلی و تحقیقی، در این حجم و به این تفصیل، یادگار بگذارد؛ آن هم دربارهٔ وقایعی که می‌دانیم در پایان جنگ جهانی اول، موجب چه دگرگونی‌های دوران‌ساز و بزرگی در خاورمیانه شدند»^۴ سعی دارد بر اهمیت کتاب بیش از پیش تأکید نماید.

«جنگ انگلیس و عثمانی در بین‌النهرین در سال ۱۳۳۲ ق ۱۹۱۴ م» عنوان اولین بخش کتاب است که در مبحثی کوتاه به نحوهٔ تهیه و تدارک قشون انگلیس و عثمانی در نواحی جنوبی عراق به خصوص بصره پرداخته است. بخش دوم کتاب به «اعزام قوا و عملیات فتح بصره» توسط نیروهای انگلیسی اختصاص دارد. نویسنده کتاب به همان سبک روایت‌گونه خود، گزارش جالبی از نحوهٔ پیشروی نیروهای انگلیسی در خاک عراق ارائه می‌دهد. او همچنین در خلال روایت‌های خود، از گزارش‌ها و اطلاعات به دست آمده از ژنرال‌های انگلیسی استفاده کرده است.

«اشغال بصره و تصرف قورنه» عنوان بخش بعدی کتاب است که چگونگی فتح بصره توسط نیروهای انگلیسی را در جریان جنگ جهانی اول ترسیم می‌کند. از نکات جالب توجه این بخش آن‌جا است که می‌آید: در بیستم نوامبر، شیخ محمره^۵ به انگلیسی‌ها اطلاع داد که ترک‌ها بصره را تخلیه کرده‌اند.^۶ این موضوع مؤید آن است که در این زمان، انگلیس از تمام ظرفیت نیروها و ایادی تحت‌الحمایه خود در منطقه، مانند شیخ خزعل به درستی استفاده کرده است.

نیروهای انگلیس پس از فتح بدون زد و خورد بصره، به فکر تصرف فوری بغداد افتادند. کسانی چون ژنرال بارت و سرپرسی کاکس طرفدار این عقیده بودند. سرانجام با اصرار بعضی مقامات ساکن در انگلیس و هندوستان، فقط به فتح قورنه اکتفا کردند.^۷

در ادامه، نویسنده به ذکر درگیری‌های نیروهای انگلیسی و عثمانی در حومه قورنه اشاره می‌کند که در نهایت به پیروزی ارتش انگلستان و عقب‌نشینی و اسارت عدهٔ زیادی از صاحب‌منصبان و قوای نظامی عثمانی می‌انجامد. مؤلف عقیده دارد که: «با تصرف قورنه، قسمت اول محاربه قوای انگلیس خاتمه یافته [است] و به این وسیله آن‌ها از حفظ بصره و نفت در شط‌العرب [اروندرو] مطمئن گردیده‌اند] و مخاطره‌ای برای محمره ندیدند.»^۸ همچنین حرکت سریع انگلیسی‌ها و آماده نبودن سپاه ترک‌ها از مهم‌ترین دلایل شکست آن‌ها بوده است.

مهمی بر منطقه خاورمیانه به جای نهاد که تجزیه امپراتوری عثمانی و تحت‌قیومیت درآمدن عراق توسط انگلستان، از مهم‌ترین رویدادها بود. از سوی دیگر، ایران همچون هنگام جنگ مظلوم واقع شد، آن‌جا که در پایان جنگ جهانی اول و در زمان مذاکرات صلح به نمایندگان دولت ایران «اجازه شرکت در کنفرانس صلح در سال ۱۹۱۹ م را ندادند و تنها اشاره‌ای که به این موضوع شد، ابراز تأسف امریکا از محروم کردن هیأت ایران در شرکت در این کنفرانس بود.»^۹

مقدمه

کتاب «جنگ انگلیس و عثمانی در بین‌النهرین و عواقب آن در ایران» آن گونه که از نامش پیداست، شرحی از جنگ‌های انگلیس و عثمانی در منطقه بین‌النهرین است که در فرازهایی از آن عواقب سیاسی، اقتصادی و نظامی این جنگ در ایران نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده کتاب عباس میرزا فرمانفرمایان (سالار لشکر)، یکی از نخستین ایرانیانی است که در مدارس عالی نظامی اروپا تحصیل کرد و با جدیدترین اصول نظامی گری آن عصر آشنا شد.^{۱۰} از مناصب مهم او این بود که مدتی عضو دولت مهاجرین، به ریاست نظام‌السلطنه مافی بود و نیز در هیأت ژنرال ریکسون در قرارداد ۱۹۱۹ م حضور داشت. سالار لشکر، همچنین از طرف انگلستان مأمور اصلاحات نظامی و معاونت وزارت جنگ بود.

از این نویسنده، جز تألیف مورد نظر، دو اثر دیگر به نام‌های «یک سال در قشون فرانسه» و «ایران و ناپلئون» به جای مانده است که «جنگ انگلیس و عثمانی در بین‌النهرین» از مهم‌ترین آنها است. وجود روح تحلیل نظامی در نوشته‌ها، که گویای شخصیت و دانش عباس میرزا فرمانفرمایان است، تا حدی از روایی بودن تألیف کاسته است. به بیانی دیگر، این اثر نگارشی قابل تأمل پیرامون تاریخ‌نگاری جنگ در مقطع زمانی جنگ جهانی اول است و از آنجا که نویسنده خود در جریان جنگ جهانی اول بوده است؛ در گروه منابع دسته اول تاریخ معاصر قرار می‌گیرد.

معرفی کتاب

کتاب در ۳۸۴ صفحه، همراه با تصاویر، نقشه‌ها، دیباچه و بیست و هشت بخش مجزا به ضمیمه واژه‌نامه و نمایه تدوین شده است. دیباچه کتاب به قلم بهمن فرمان در فرازهایی کوتاه به اهمیت و ارزش اثر اشاره می‌کند و با ذکر گوشه‌هایی از وقایع جنگ جهانی اول در اروپا و زبانه کشیدن جنگ در عثمانی و نهایتاً وضعیت ایران در این عرصه بین‌المللی، سعی در بیان اهمیت موضوع دارد. همچنین، نحوه



ورود نوای هندی انگلیس به بغداد

وجود چاه‌های نفت باکو در شمال ایران و چاه‌های نفت خوزستان در جنوب و قرار داشتن ایران بر سر راه هندوستان، که به نحوی در طول تاریخ کلید شبه‌قاره هند به شمار می‌آمد، ایران را ناخواسته وارد جریانی کرد که غیر از آسیب و ضرر برای ملت زجر کشیده صفحات مرزی کشور هیچ تحفه‌ای به همراه نداشت

انگلیس به اهواز و سوسنگرد، عقب‌نشینی سپاه ترک در خوزستان و در نهایت نائل آمدن انگلیس به مقاصد خود در خاک خوزستان و بازگشت نیروهای انگلیسی به بصره ارائه داده است.

«پیش‌رفت انگلیسی‌ها در کنار دجله و جنگ قورنه» عنوان بخش بعدی کتاب است. موضوع این بخش شرح جنگ‌های نیروهای انگلیس با ارتش عثمانی در حاشیه رود دجله است. ژنرال سرچارلز تاونسند، فرمانده دیویزیون ششم انگلیس مسئولیت این عملیات را عهده‌دار بود و با کمک نیروهای هوایی و دریایی کشورش توانست شکست دیگری بر ترک‌ها تحمیل کند. عقب‌نشینی نیروهای ترک به ناصریه از نتایج این عملیات بود. عباس میرزا فرمانفرمایان در خلال این بخش، آمار و ارقام دقیقی از اسرا و کشته‌شدگان و خسارات وارد شده به دو طرف درگیر به دست می‌دهد که از مهم‌ترین آن‌ها خرابی

در بخش بعدی کتاب که به تدارک نظامی عثمانی برای حمله متقابل به انگلیسی‌ها اختصاص دارد، روند جریانات کشیده شدن جنگ به نواحی خوزستان در ایران پی‌گیری شده است. وضعیت نابسامان ایران و افکار ضدانگلیسی اهالی خوزستان که با تحریک برخی ایادی آلمانی همچون واسموس اوج می‌گرفت، سبب شده بود که تعدادی سواره نظام عثمانی با عده‌ای از سران عشایر عرب ایرانی فکر حمله به چاه‌های نفت حوالی بصره را در سر بپروراندند.^۱

اشاره به نقش شیخ خزعل در این وقایع، از نکات جالب توجه این بخش است. به ویژه آن‌که، در این زمان شیخ خزعل، شیخ محمره، به دلیل اقبال عمومی مردم ایران و به خصوص اعراب خوزستان از قوای اسلامی عثمانی، نمی‌توانست اقدامی عاجل و مؤثر در کمک و حتی تهییج اعراب برای پشتیبانی از ارتش بریتانیا انجام دهد. این شرایط سبب شد قوای انگلیسی از مقامات خود در هندوستان طلب کمک نظامی کنند. هم‌زمان با این وقایع، ارتش عثمانی به فرماندهی سلیمان عسگری و علی بیگ به مواضع نیروهای انگلیسی در منطقه حمله می‌کنند. اما، پس از اتمام دوره دوم جنگ، آن‌چنان که نویسنده کتاب نیز بدان اشاره کرده است، وجود مجاهدان طرفدار قوای عثمانی در خاک خوزستان و احتمال حمله آنان به مناطق نفتی آن نواحی، ارتش انگلیس را نگران کرده بود.^۲ این امر زمینه‌ای شد برای تجاوز انگلیس به خاک ایران و ادامه محاربات در خاک خوزستان.

در بخش بعدی کتاب که به «محاربات خوزستان» اختصاص دارد، نویسنده به همان شیوه روایت‌گونه، شرحی از لشکرکشی قوای

آن چه در کتاب بدان توجه نشده است، این است که بدون شک آشنایی سپاه عثمانی به منطقه و نیز همکاری اعراب و عشایر منطقه با ایشان یکی از دلایل پیروزی سپاه عثمانی در این منطقه بود. این پیروزی علاوه بر جبران شکست در مناطق شمالی برای ارتش عثمانی روحیه بخش بود

موضوع دلیل مهمی داشت و آن این که ترکان در قفقاز به سختی با روس‌ها درگیر بودند و بدین واسطه عملیات پشتیبانی از نیروهای خود در بین‌النهرین را به درستی انجام ندادند. از طرف دیگر خبرهایی نیز از پیروزی روسیه در جبهه شمال به گوش می‌رسید و هر لحظه بیم آن می‌رفت که روس‌ها ماشین زرهی خود را به سمت بغداد هدایت نمایند. نیروی دریایی و هوایی انگلیس‌ها در پیروزی‌های اولیه آن‌ها سهم به‌سزایی داشتند؛ به‌ویژه نیروی دریایی انگلیس که تبحر زیادی در جنگ‌های دریا به ساحل داشت و توانست ناوگان جنگی ترکان را در عراق مضمحل کند.

در ادامه درگیری‌ها، ارتش انگلیس موفق شد ترکان را به عقب براند و این بار شهر مهم کوت را تصرف کند. گزارش مشروح این بخش، علاوه بر توضیح نحوه پیروزی و تعداد فرماندهان و نیروهای انگلیسی در این نبرد، گویای آن است که «جنگ کوت اولین جنگ مرتب و مهمی بود که در بین‌النهرین واقع شد و انگلیسی‌ها در مقابل استقامت جدی قرار گرفتند و عقب‌نشینی مرتبی را مشاهده کردند»^{۱۴}

آمار تلفات و خسارات طرفین جنگ در این مرحله از درگیری، پایان بخش این قسمت از کتاب است. بخش بعدی کتاب، «تصمیم انگلیسی‌ها برای رفتن به بغداد» است. نویسنده در این بخش، با یادآوری مطالب گذشته در خصوص عقیده فیکسون و تاوانشنند از ژنرال‌های ارتش انگلیس، مبنی بر حرکت سریع به سمت تسخیر بغداد و اجازه ندادن به تجدید قوای سپاه ترکان، به این نکته تأکید می‌کند که در جریان نبردهای کوت، ارتش عثمانی انتظام و استحکام خوبی از خود نشان داد و به همین دلیل کم‌ترین تلفات را در این محاربات متحمل شد. بنابراین، فرماندهان انگلیسی برای حمله سریع به بغداد می‌بایست با تأمل بیشتری تصمیم می‌گرفتند. علاوه بر این موضوع، مؤلف در این جا به خوبی توجه خود را به دیگر جبهه‌های جنگ جهانی اول معطوف داشته است و به درستی تحلیل کرده است که ارتش انگلیس به سبب دغدغه‌هایی که در نبرد مصر و دیگر جبهه‌های جنگی داشت، نمی‌توانست کمک شایانی به نیروهای خود در جبهه بین‌النهرین کند. از طرف دیگر، کسانی که خواستار حمله نهایی برای تصرف بغداد بودند، در بیان دلایل خود عقیده داشتند که تصرف بغداد منافع فراوانی برای آن‌ها خواهد داشت و نتیجه جنگ در منطقه خاورمیانه را تا حد زیادی به سود آنان تغییر خواهد داد؛ در موقعی که متفقین در هیچ‌کدام از جبهه‌های جنگ موفقیت حاصل نکرده بودند، این پیروزی می‌توانست روحیه بخش باشد. در مقابل،

و به غنیمت رفتن کشتی مارماریس عثمانی است.^{۱۱} «عملیات انگلیسی‌ها در کنار فرات و تصرف ناصریه» بخش بعدی از روایت مؤلف است. پس از پیشرفت‌های اولیه سپاه انگلیس در جنوب عراق و در پی آن موفقیت‌هایی که در خوزستان توسط هواداران خود (نظیر شیخ خزعل) به دست آورد، اوضاع به گونه‌ای شد که تسریع در حمله به دیگر مناطق عراق، به موازات رودخانه فرات برای انگلیسی‌ها امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. به همین منظور، دیویزیون دوازدهم مأمور رودرویی با ارتش عثمانی شد. آن گونه که از محتوای کتاب برمی‌آید، در این هنگام، در ایران نیز تبلیغات جهاد علیه نیروهای روسی و انگلیسی هم‌چنان در جریان بود. از این رو، انگلیسی‌ها از یک طرف، می‌بایست جبهه بین‌النهرین را حفظ می‌کردند و از طرف دیگر، چشم به ایران و میدان نفتی خوزستان می‌دوختند تا از تعرض جاسوسان آلمانی و نیروهای جهادی مصون بمانند. در این زمان گودینج که فرماندهی نیروهای بریتانیا را برعهده داشت، در حوالی مجنون در سمت چپ رودخانه فرات در درگیری با نیروهای ترک به مشکل برخورد که البته بریگاد هفده ارتش انگلیس با چند عراده توپ سنگین و دو هواپیمای به کمک گودینج شتافتند.^{۱۲} این کمک نظامی باعث شد نیروهای انگلیسی ناصریه را به تصرف خود درآورند. در آن زمان، این شهر یکی از نقاط سوق‌الجیشی بین‌النهرین به شمار می‌آمد. در پایان این بخش، نویسنده آمار از تعداد تلفات و خسارات نظامی طرفین جنگ ارائه داده است.^{۱۳}

بخش بعدی کتاب: «جنگ کوت العماره و پیش‌رفت به طرف بغداد» نام گرفته و به تشریح وقایع و مقاصد انگلیس پس از فتح ناصریه پرداخته است. لازم به توضیح است که در این مقطع از جنگ انگلیس و عثمانی، به سبب تصرف ناصریه توسط ارتش انگلیس، راه‌های کمک اعراب و در کل هواداران عثمانی از خوزستان مسدود شده بود و عملاً ترکان عثمانی دیگر نمی‌توانستند از کمک هم‌کیشان ایرانی خود بهره‌برداری کنند. بنابراین انگلیسی‌ها نیز با خیالی آسوده به تصرف بغداد می‌اندیشیدند. آن چنان که از روایات عباس میرزا فرمانفرمایان برمی‌آید، انگلیسی‌ها تا این مرحله از نبرد با مشکل بزرگی روبه‌رو نشده بودند و به تمام اهداف اولیه خود دست یافتند و این ترکان عثمانی بودند که در بهره‌برداری از نیروهای مجاهد و عشایر عرب هوادار خود در داخل مرزهای ایران علیه انگلیس ناکام بودند و هم‌چنین بین خطوط مقدم و عقبه عثمانی‌ها در رودرویی با مهاجرین انگلیسی انسجام و هماهنگی لازم وجود نداشت. این

در زمان بروز جنگ جهانی اول، یکی از اولین موارد نقض بی طرفی ایران از سوی عثمانی صورت گرفت. این کشور نیروهایی را برای حمله به لوله‌های نفتی گسیل داشت که در سر تاسر خوزستان امتداد می‌یافت



مهاجرین ایرانی و یک صاحب منصب عثمانی.
از راست: میرزا قاسم خان صوراسرافیل (رییس پست و تلگراف)،
علی احسان بیگ (فرمان ده قوای عثمانی در ایران، که بعدها ملقب به احسان پاشا شد)،
و عباس میرزا سالار لشکر نویسنده کتاب حاضر (رییس ارکان حرب دولت مهاجرین در کرمانشاه).

ارتش عثمانی نیز در این زمان در مدائن (تیسفون) حوالی بغداد موضع مستحکمی ساخته بود که نسبت به گذشته از ترتیب و تدارکات بهتری برخوردار بود.

در داخل ایران خبرهای خوشی به گوش نمی‌رسید: «در این موقع، عملیات آلمانی‌ها جدا در ایران شروع شده بود و انگلیسی‌ها هم فوق‌العاده از آن واهمه داشتند که ایران و افغانستان به طرفداری از آلمان قیام نمایند.»^{۱۵} به همین دلیل، انگلیسی‌ها برای نخستین بار به فکر افتادند تا در پیش‌روی به سمت بغداد از روس‌ها کمک بگیرند، «ولیکن تجهیزات روس‌ها در داخل ایران در محور قزوین تا همدان بود و به نزدیکی مرز عراق نرسیده بودند.»^{۱۶} در اثنای این وقایع، ارتش عثمانی هر روز بر تعداد استحکامات و افراد قشون خود در مدائن (تیسفون) می‌افزود. هم‌چنین به طور گسترده‌ای از عشایر عرب منطقه بهره می‌جست. ولی آن‌چه مسلم بود، متفقین برای اعاده حیثیت نیاز به فتح بغداد داشتند.

«محاربه مداین» در قسمت بعدی کتاب روایت شده است. عباس میرزا، در این بخش نقل قولی از کتاب ژنرال تاوئشند، فرمانده انگلیسی در مورد وضعیت جبهه مدائن و شرایط سوق الجیشی منطقه بیان می‌کند که نشان‌گر آگاهی او از دیگر آثار منتشرشده درباره رویدادهای جنگ جهانی اول، به ویژه در بین‌النهرین است. در این زمینه، هم‌چنین دسترسی نویسنده به نوشته‌های افسران انگلیسی قابل توجه است.

نویسنده در این بخش، خطوط دفاعی طرفین مخاصمه و نقش جنگ ارتش انگلیس برای نبرد با ترکان را شرح می‌دهد و با استفاده از اطلاعات کتاب ژنرال تاوئشند، به توصیف مراحل مختلف جنگ مدائن می‌پردازد. در مراحل اولیه جنگ مدائن، گزارش‌ها نشان از صدمه و تلفات زیاد انگلیس‌ها دارد و آماری نیز از این تلفات در کتاب ارائه شده است.^{۱۷} نبرد مدائن یک تفاوت با جنگ‌های قبلی داشت و آن هم پیروزی‌های اولیه ترکان بود. به طوری که آن‌ها برخی مواضع خود را پس از زد و خورد اولیه بازپس گرفتند. انگلیسی‌ها که تا قبل از این جنگ بدون مشکلی اساسی در جبهه بین‌النهرین به سمت بغداد پیش می‌رفتند، در این زمان با یک چالش جدی مواجه شدند که فرماندهان ارتش بریتانیا را به چاره‌اندیشی واداشت. از طرف دیگر، حلقه محاصره ارتش انگلیس توسط عثمانی‌ها در کوت‌العماره هر روز

تنگ‌تر می‌شد. در نتیجه انگلیسی‌ها دست به دامان قوای روسیه شدند که هر چه سریع‌تر خود را از راه همدان و کرمانشاه به بین‌النهرین و ناحیه کوت‌العماره برسانند. «محاصره کوت» در بخش بعدی کتاب بررسی شده است. ارتش انگلیس پس از عقب‌نشینی به کوت، به احداث سنگر مستحکمی در این شهر پرداخت و شهر کوت را به عنوان بهترین محل دفاع برگزید و برای محاصره‌ای چند ماهه آماده شد. عباس میرزا در فرازی درباره تأمین تدارکات و آذوقه جنگی ارتش انگلیس بیان می‌دارد که «هر اندازه هم آذوقه محلی میسر بود، جمع‌آوری نمود. اینک برای دو ماه آذوقه قشونی را به طور تکمیل داشت.»^{۱۸} اما در این‌جا لازم می‌نمود که نویسنده بیان کند که در آن شرایط جنگی که منطقه بین‌النهرین از هر طرف در محاصره جنگ بود، تأمین آذوقه دو ماهه یک ارتش چگونه صورت پذیرفته است. بی‌گمان، این آذوقه، ذخیره مردم محلی و جنگ‌زده عراق بوده است که نظیر آن در همین دوران و مقارن جنگ جهانی اول در ایران اتفاق افتاد. متفقین به زور و اجبار مواد غذایی و مایحتاج مردم را خریداری

از آن جا که تألیف «جنگ انگلیس و عثمانی در بین‌النهرین و عواقب آن در ایران» به هنگام جنگ جهانی اول صورت گرفته است، برخی واژه‌های به کار برده شده توسط مؤلف، امروز در زبان فارسی متداول نیست. بنابراین، در «واژه‌نامه»، تعریف و تشریح شده‌اند

در پایان عباس میرزا «... تأخیر در حرکت، بی‌اطلاعی از سنگرهای اطراف دجله، ابهام در اوامر» را عامل شکست مهم قوای انگلیسی معرفی می‌کند^{۳۱} و آماری از تلفات دو طرف ارائه می‌دهد. بخش بعدی کتاب به «حمله به سمت فلاحیه» اختصاص یافته است. نویسنده کتاب در این بخش به وضعیت نامناسب سپاه انگلیس می‌پردازد و به مواردی از جمله ضعف روحیه تمامی ارکان سپاه، گریختن و یا تسلیم شدن تعداد زیادی از سربازان هندی و همچنین تمایل تاوئنشند در تسلیم شدن اشاره دارد. او همچنین، تأکید مقامات عالی‌نظامی بریتانیا بر ادامه جنگ با عثمانی در منطقه فلاحیه متذکر می‌شود و آمار دقیقی از میزان افراد و ادوات نظامی ارتش انگلیس در این مرحله از جنگ ارائه می‌دهد، که از این جهت بر غنای اثر خود افزوده است. انگلیس‌ها هر چه می‌جنگیدند به نتیجه دلخواه نمی‌رسیدند. از یک سو، شرایط اقلیمی، هوای نامساعد و سیل‌های مکرر و از دیگر سوی، پایان یافتن آذوقه، بیش از پیش بر نیروهای انگلیسی فشار آورد و بر میزان تلفات ایشان می‌افزود. بنابراین، در کوتاه‌مدت، تنها علاج واقعه این بود که کشتی مملو از آذوقه برای کوه روانه شود تا آن‌ها بتوانند استقامت خود را یک ماه ادامه دهند و در این مدت بار دیگر مهیای حمله شوند.^{۳۲} اما کشتی حامل آذوقه نیز در میانه راه به دست قشون عثمانی افتاد و در عمل دیگر هیچ امید برای سپاه انگلیس باقی نماند.

«تسلیم کوه» عنوان بخش بعدی کتاب است و همان‌طور که از این عنوان پیداست، سپاه انگلیس به دلایلی که پیش از این گفته شد، دیگر نتوانست در برابر سپاهیان عثمانی مقاومت کند و ژنرال تاوئنشند با کسب مجوز از مقامات عالی‌رتبه انگلیس، مذاکرات صلح را با همتای ترک خود، خلیل پاشا در کشتی وی آغاز کرد.^{۳۳} نتیجه مذاکرات صلح برای انگلیس‌ها بسیار اسف‌بار بود. تمام صاحب‌منصبان انگلیسی به اسارت ترکان درآمدند و به اسلامبول گسیل شدند. هر چه از ادوات نظامی باقی مانده بود به غنیمت رفت، انگلیسی‌ها مجبور بودند تمام شرایط ارتش عثمانی را بپذیرند.

آنان ترکان را حقیر شمرده بودند و در معادلات نظامی خود دچار اشتباه شده بودند. در این زمینه، پیروزی‌های اولیه انگلیس‌ها بیش از هر چیز آن‌ها را دچار اشتباه کرد. هر چند که این شکست می‌توانست در آینده رهگشای انگلیسی‌ها باشد.

«وقایع بعد از سقوط کوه و جبهه غرب ایران» عنوان بخش بعدی کتاب فرمانفرمایان است. آن‌چه ناگفته پیداست این‌که، انگلیسی‌ها

و یا مصادره می‌کردند. اما در این تألیف، عباس میرزا به آسانی چشم از سختی‌هایی که بر هم‌وطنانش رفته است، چشم می‌پوشد.

در این بخش، نبرد کوه‌العماره به تفسیر و با استفاده از منابع و روایات انگلیسی‌ها شرح داده شده است و آن‌گونه از مطالب کتاب برمی‌آید، در این جنگ انگلیسی به سختی و با تلفات زیاد از مواضع خود در مقابل ارتش عثمانی دفاع کردند و ترکان نیز بدون نتیجه و با تلفات زیادی به مواضع قبلی بازگشتند. جنگ کوه‌العماره تا آخرین روز سال ۱۹۱۵ میلادی ادامه یافت.^{۳۴}

«تجمع قوا برای استخلاص کوه‌العماره» عنوانی است که عباس میرزا فرمانفرمایان برای این بخش از کتاب خود انتخاب کرده است در آن به وضعیت انگلیس‌ها در جبهه کوه اشاره می‌کند و این‌که آن شرایط نامطلوب، سران نظامی ارتش بریتانیا را واداشت که به سرعت به کمک ژنرال تاوئنشند، فرمانده در محاصر مانده اقدام کنند و قوای امدادی را از راه بصره گسیل نمایند. اما تمام پیش‌بینی‌های انگلیس‌ها در این مرحله از نبرد نتیجه‌بخش نبود و برخلاف تصورات آنان که فرماندهان عثمانی می‌خواستند قسمتی از سپاه خود را به دیگر مناطق جنگی گسیل کنند، ترکان، قوای خود را در منطقه کوه متمرکز کردند و این امر، کار را برای سپاه خسته انگلیس دشوار می‌نمود.

«مبارزه شیخ سعد» در بخش بعدی کتاب روایت شده است. آن‌چه مسلم است، در این زمان از جنگ بین‌النهرین، ارتش بریتانیا وضعیت مناسبی نداشت و از همه طرف با مشکلاتی مواجه بود. این شرایط با اولین روزهای سال ۱۹۱۶ م مصادف بود. در نبرد شیخ سعد، انگلیس‌ها امید فراوان داشتند که بتوانند نتیجه قطعی جنگ را به نام خود تمام کنند. اما در مقابل، ارتش عثمانی خطوط دفاعی خود را به خوبی مستحکم کرده بود و همچنین، هنوز روس‌ها نتوانسته بودند از غرب ایران به داخل عراق نفوذ کنند. شرایط به نحوی پیش می‌رفت که کم‌کم انگلیس‌ها به فکر تسلیم با شرایط مناسب افتادند.^{۳۵} هر چند این پیشنهاد از طرف مقامات عالی‌رتبه بریتانیا رد شد، اما این موضوع نشان‌گر وضعیت وخیم ارتش آنان در بین‌النهرین بود. در مقابل، ارتش عثمانی که در جبهه شمال شکست‌های سختی را از ارتش روسیه متحمل شده بود و حتی نواحی از خاک خود را از دست داده بود، سعی داشت به هر طریق از بغداد دفاع کند و در جبهه کوه قوای انگلیس را زمین‌گیر کند.

در خلال موضوعات پیش‌گفته، آن‌چه که در کتاب بدان توجه نشده است، این است که بدون شک آشنایی سپاه عثمانی به منطقه و نیز همکاری اعراب و عشایر منطقه با ایشان یکی از دلایل پیروزی سپاه عثمانی در این منطقه بود. این پیروزی علاوه بر جبران شکست در مناطق شمالی برای ارتش عثمانی روحیه‌بخش بود.

به هر ترتیب، بنابر روایت فرمانفرمایان جنگ به شدت تمام در اطراف کوه میان طرفین آغاز شد. انگلیسی‌ها در ابتدا تصور مقاومت شدید از طرف ترک‌ها را نداشتند. با گذشت زمان، ارتش عثمانی ایستادگی بیشتری از خود نشان می‌داد و حملات انگلیسی‌ها عقیم می‌ماند. سرانجام فرماندهان انگلیسی تصمیم گرفتند فرمان عقب‌نشینی را صادر کنند.

در ژوئن ۱۹۱۸ م. اهمیت جبهه
بین‌النهرین کاهش یافت و جبهه قفقاز
و دسترسی به چاه‌های نفت باکو برای
کشورهای درگیر در اولویت قرار گرفت. امری
که در جنگ جهانی دوم پررنگ‌تر ظاهر شد و
حتی سرنوشت این بُعد جنگ را، دسترسی به
چاه‌های نفت باکو رقم زد

هر چه در طول چندماه جنگ با ترکان عثمانی به دست آوردند، فنا شده دیدند و برای تجدید قوا و جبران گذشته به چاره‌اندیشی نشستند. در این میان، سپاه روس برخلاف ارتش انگلیس، توانسته بود موفقیت‌هایی به دست آورد و از جبهه غرب ایران و نقطه سوق‌الجیشی پاتاق در حوالی سرپل ذهاب بگذرد و راه خانقین در عراق را در پیش گیرد. این اخبار می‌توانست برای انگلیس‌ها مسرت‌بخش باشد و آن‌ها را نیز به فکر تجدید قوا در بین‌النهرین وادارد. نویسنده به دلیل آشنایی با فنون نظامی و حضور هم‌زمان در غرب ایران و شاهد بودن وقایع از نزدیک و اطلاع از وضعیت دول متخاصم بین‌النهرین، زوایای مختلف جنگ را به صورتی مشروح و مستند در این بخش بیان کرده است.

در این هنگام، مؤلف به اعلام بی‌طرفی ایران در جنگ اول و ناخواسته وارد شدن آن به صحنه جنگ و همچنین برخی روابط میان ایران، انگلیس، روسیه و عثمانی و تشکیل دولت مهاجرین ایران در کاظمین، به دلیل اشغال غرب ایران توسط روس‌ها و روابط آن با ترکان و آلمان‌ها اشاره می‌کند. شرح زد و خورد‌های قوای روس در شهرهای مختلف غرب کشور بدین صورت بود که «... اقامت دو قشون در حدود غرب، که بالغ به چهل هزار نفر از طرفین می‌شد، آذوقه اهالی را به تدریج تمام کرد و به واسطهٔ پراکندگی اهالی، کشت مرتبی نشد و طولی نکشید که در سال بعد قحطی فوق‌العاده‌ای تولید گردید و نفوس زیادی تلف شد و پس از این قحطی، مرض آنفلوآنزا به پیکر ضعیف اهالی بدبخت حمله‌ور گردید و عده زیادی از اهالی تلف شدند و سال‌ها دهات پرسکنه و آباد همدان و اطراف ویرانه ماندند.»^{۲۳}

«قسمت اول محاربات کوت‌العماره» موضوع بخش بعدی است. در این قسمت، ابتدا گزارشی از وضعیت صفوف دفاعی سپاه عثمانی و ارتش انگلیس در نواحی مختلف بین‌النهرین ارائه گردیده است و در ادامه شرحی از آغاز دورهٔ جدید جنگ‌های انگلیس و عثمانی در کوت‌العماره آمده است که نشان از پیشرفت محسوس انگلیس‌ها در جبهه جنگ دارد. این بار، ارتش انگلیس به سبب پشتوانه روحی که از پیروزی روس‌ها در جبههٔ شمال و غرب عراق به دست آورده بود و همچنین تدارکات منظم جنگی و استفاده مؤثر از خطوط راه آهن برای رساندن آذوقه و مهمات، توانست شکست‌های قابل توجهی بر قشون ترکان وارد نماید از طرف دیگر، در این زمان ارتش عثمانی به دلیل شکست‌های پی‌درپی در مقابل روس‌ها از روحیهٔ خوبی برخوردار نبود. جنگ کوت‌العماره از ژانویه ۱۹۱۷ تا بیست و چهارم فوریه که شهر کوت به تصرف کامل نیروهای انگلیسی درآمد، به طول انجامید

و تدبیر فرماندهان نظامی انگلیسی و در رأس آن‌ها ژنرال مود کارساز شد و زمینه برای پیروزی‌های بعدی آنان مهیا گردید.

وضعیت «قوای انگلیس و تصرف عزیزیه» در بین‌النهرین در بخش دیگری از کتاب مورد توجه نویسنده قرار گرفته است و در شرحی کوتاه نحوهٔ پیشرفت ارتش بریتانیا در جبهه عزیزیه و تهیه مقدمات فتح بغداد توسط آنان بیان شده است.^{۲۵}

«تصرف بغداد» توسط ارتش انگلیس امری اجتناب‌ناپذیر بود که به دلیل ناتوانی ارتش عثمانی از مقاومت در برابر ارتش مکانیزه انگلیسی روی داد. عباس‌میرزا به دلیل اهمیت این موضوع، در بخشی مجزا نحوهٔ درگیری‌ها و جنگ‌های منتهی به تصرف بغداد توسط ارتش انگلیس را مورد توجه قرار داده است.

«محاربات اطراف بغداد» در بخش بعدی مورد توجه نویسنده قرار گرفته است شامل شرح پاک‌سازی نواحی مختلف حومه بغداد و همچنین تصرف شهرهای فلوجه و بعقوبه در نزدیکی بغداد توسط ارتش انگلیس و گزارش جنگ‌های قوای عثمانی به فرماندهی علی احسان پاشا، فرمانده معروف ترک و ارتش انگلیس است که در این عملیات انگلیسی‌ها زمینهٔ تصرف سامره را مهیا کردند. البته آغاز ناآرامی‌های داخلی روسیه و در نهایت انقلاب روسیه باعث شده بود که هم‌زمان با این وقایع، ارتش روسیه نیز نتواند کمک شایانی به سپاه انگلیس کند و حتی تا قبل از آن نیز در طول جنگ بین‌النهرین می‌بینیم که پیش‌روی سپاه روسیه بسیار کند بود و هیچ‌گاه انگلیسی‌ها به کمک و مساعدت روس‌ها دل نبستند. علاوه بر این موارد، شورش سپاه روسی مستقر در منطقه باعث شد که انگلیس بیش از پیش از کمک آن‌ها ناامید شود.

«تصرف سامره» نیز در ادامه آمده است که هم‌چون دیگر بخش‌ها، شرح جنگ‌های ارتش انگلیس و عثمانی، ولی در حومهٔ شهر سامره است که بعد از زد و خورد‌های بسیار، سرانجام پیروزی از آن ارتش بریتانیا گردید. سامره در بیست و چهارم آوریل ۱۹۱۷ توسط ارتش انگلیس تصرف شد که در این میان «انگلیسی‌ها ۲۳۰۰ نفر و ترک‌ها ۳۰۰۰ نفر تلفات دادند.»^{۲۶} بعد از این نبرد ارتش انگلیس متوجه حرکت به سمت خط شمالی بغداد شد. این جنگ‌ها به جنگ‌های ادهم معروف است و هدف عمدهٔ فرماندهان ارتش انگلیس از آن حفظ بغداد و دور راندن ارتش عثمانی از مواضع مهم نظامی اطراف بغداد و ایجاد فاصله بین دسته‌های مختلف آنان بود.^{۲۷}

«وضعیت روس‌ها و ترک‌ها در تابستان ۱۹۱۷ م» موضوع دیگر کتاب است که در اصل گزارش مفصلی از وضعیت نیروهای انگلیسی و روسی مستقر در عراق است؛ به خصوص شرایط انقلابی روسیه و تأثیر آن بر نیروهای روسی مورد توجه قرار گرفته است، چرا که جدایی و کناره‌گیری روسیه از جنگ جهانی اول، در این زمان لطمه سنگینی بر متفقین که نیاز شدیدی به ارتش و پشتیبانی آن کشور داشتند، وارد می‌آورد و از طرف دیگر، با توجه به فعالیت مستمر نیروهای آلمانی در منطقه، ارتش عثمانی را برای بازپس‌گیری بغداد تهییج می‌کرد.

گزارش اقدامات نیروهای انگلیسی در عراق برای سازماندهی و انسجام بیشتر نیروهای خود و هم‌چنین بهره‌گرفتن از نیروی اعراب و

عشایر محلی برای لطمه زدن به ارتش عثمانی، با ارائه آماری از نبردها اسامی فرماندهان، تعداد نیروها و تلفات طرفین در جنگ‌های متأخر و نیز شرح چگونگی تصرف شهرهای رمادی، مندلی و تکریت توسط ارتش انگلیس از دیگر مباحث این بخش است. هم‌چنین جالب توجه است که نویسنده در خلال گزارش‌های خود از جنگ‌های بین‌النهرین،

به شرایط و اوضاع جبهه شمالی، یعنی قفقاز و هم‌چنین جبهه بیت‌المقدس که انگلیس و عثمانی در آنجا سخت با یکدیگر درگیر بودند و تأثیرات این جبهه‌ها نیز اشاره می‌کند که این امر نشان‌گر توجه خاص نویسنده به روابط بین‌الملل در زمان جنگ است.

گزارش مأموریت «هیأت دنسترویل» بخش دیگری از کتاب فرمانفرمایان است. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. روسیه سبب تشتت نیروی نظامی روس‌ها شد. این واقعه از طرفی سبب امیدواری ارتش عثمانی برای رهایی از جبهه قفقاز و تمرکز بیشتر در جبهه بین‌النهرین گردید و از طرف دیگر، باعث شد که تعداد زیادی اسیر آلمانی و اتریشی که در روسیه بودند آزاد شوند و برای دولت انقلابی ایجاد نگرانی کنند. آزادی ملت‌های مسلمان قفقاز و آذربایجان از قیود رژیم تزاری روسیه نیز باعث نزدیکی بیشتر آنان به هم‌کیشان خود در عثمانی گردید. این دلایل سبب شد که انگلیس نیز دست

به اقدام متقابل زند و گروهی را به سرپرستی ژنرال دنسترویل برای بهره‌گیری از نیروهای «گرجستان، ارمنستان و غیره»^{۲۸} و هم‌چنین استفاده از گروهی از روس‌ها برای مقابله با نیروهای عثمانی و آلمانی در منطقه، به قفقاز مأمور کند. «دنسترویل به طور رسمی، رئیس هیأت انگلیس در قفقاز و نماینده انگلستان در تفلیس بود و می‌بایست در حدود ارمنستان، گرجستان، داغستان و آذربایجان، به کمک قوای نظامی و استفاده از نیروهای محلی، راه‌های نفوذ آلمانی‌ها و ترک‌ها را مسدود می‌کرد»^{۲۹}.

اما از طرف دیگر، ژنرال دنسترویل در داخل ایران و به خصوص نواحی مرکزی و شمالی موفقیت‌چندانی به دست نیآورد و مجدداً به همدان بازگشت و تقاضا داشت که به فوریت راه کرمانشاه به همدان و قزوین را انگلیس‌ها اشغال نظامی کنند.^{۳۰} او، هم‌چنین عقیده داشت که در این زمان نیروهای انقلابی جنگ به فرماندهی میرزا کوچک‌خان جنگلی، توانایی تصرف تهران را دارند؛ بنابراین، آنان را خطری برای ارتش بریتانیا می‌دانست.

نویسنده کتاب در ادامه این بخش، به شرح اقدامات ارتش انگلیس

که منجر به تصرف شهر کرکوک در عراق شد، پرداخته است. اما بیشتر توجه عباس‌میرزا به وقایع و اغتشاشات قفقاز و برشمردن اهمیت آن ناحیه برای طرفین درگیر معطوف بود. البته در نتیجه این مهم، فرماندهان نظامی انگلیس با ژنرال ونسترویل هم‌عقیده شدند که تصرف باکو باید در اولویت عملیات جنگی ارتش بریتانیا قرار گیرد. بی‌گمان، اهمیت چاه‌های نفت

باکو و نفت‌خیز بودن این ناحیه، در تصمیم‌گیری فوق مؤثر بوده است.

«اقدام به تصرف بادکوبه» عنوان بخش بعدی کتاب است که به طور غیرمستقیم خواننده را متوجه می‌سازد که گویا در این مقطع از جنگ جهانی اول، که مصادف با «ژوئن ۱۹۱۸ م.»^{۳۱} بود، اهمیت جبهه بین‌النهرین کاهش یافت و جبهه قفقاز و دسترسی به چاه‌های نفت باکو برای کشورهای درگیر در اولویت قرار گرفت. امری که در جنگ جهانی دوم پررنگ‌تر ظاهر شد و حتی سرنوشت این بُعد جنگ را، دسترسی به چاه‌های نفت باکو رقم زد. البته در این هنگام، ایران به جهت راه‌های مواصلاتی با آذربایجان، برای دول متخاصم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. موضوعی که در دو جنگ بین‌الملل، ایران را ناخواسته در معرکه جنگ وارد ساخت.

عباس‌میرزا در این بخش، هم‌چنین با اشاره به اختلافات دو متحد جنگ

جهانی اول، یعنی آلمان و عثمانی بر سر ممالک متصرفی در ناحیه قفقاز، بیان می‌دارد که: «ترک‌ها به غیر از نفت بادکوبه که در نظر داشتند به دست بیاورند، در پی ایجاد یک اتحاد بزرگ، از قفقاز تا ترکستان بودند تا به این وسیله مناطق عرب‌نشین را که از دست داده بودند، جبران کنند و به جای اتحاد اسلامی، اتحاد نژادی به وجود بیاورند»^{۳۲}. او در ادامه، شرح مفصلی از اقدامات بازیگردان اصلی سیاست آن روز انگلستان، ژنرال دنسترویل در ایران و قفقاز و مأموریت او برای تسخیر بادکوبه و مانع شدن ترک‌ها و آلمان‌ها در استفاده از منابع نفتی این منطقه، اعزام بیچراکوف روسی به منطقه قفقاز، درگیری دنسترویل با نیروهای میرزا کوچک‌خان جنگلی و در نهایت، درگیری‌هایی که منجر به فتح باکو توسط انگلیسی‌ها شد، ارائه می‌دهد.

«سقوط باکو»: در این بخش، آن‌گونه که از عنوان پیداست، فرمانفرمایان به ماندگار نبودن باکو در دست انگلیسی‌ها، بررسی خطوط دفاعی قشون محلی و انگلیسی‌ها و تعداد نیروی تحت اختیار ایشان در مقایسه با کثرت ارتش عثمانی که در حال حرکت به سمت



عباس میرزا فرمانفرمایان (مدار لشکر)

نیست. بنابراین، در بخشی به نام «واژه‌نامه»، تعریف و تشریح شده‌اند. «نمایه» نیز به منظور دستیابی آسان خواننده به اسامی مختلف، در آخرین قسمت کتاب آمده است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- آوری، پیتز؛ تاریخ معاصر ایران، ج ۱ (تهران: عطایی، ۱۳۶۹، ج ۲) ص ۳۴۹.
- ۲- پیتز آوری، همان، ص ۳۷۶.
- ۳- عباس میرزا فرمانفرمایان (سالار لشگر)، جنگ ایران و عثمانی در بین‌النهرین و عواقب آن در ایران، به کوشش منصوره اتحادیه و بهمن فرمان (تهران: سیامک، ۱۳۸۶) ص ۱۹.
- ۴- همان، ص ۲۲.
- ۵- منظور از شیخ محمره، شیخ خزعل است.
- ۶- همان، ص ۴۱.
- ۷- همان، ص ۴۳.
- ۸- همان، ص ۴۴.
- ۹- همان، ص ۴۹.
- ۱۰- همان، ص ۵۸.
- ۱۱- همان، ص ۷۵.
- ۱۲- همان، ص ۸۳.
- ۱۳- همان، ص ۸۵.
- ۱۴- همان، ص ۹۹.
- ۱۵- همان، ص ۱۰۵.
- ۱۶- همان، ص ۱۱۹.
- ۱۷- همان، ص ۱۱۹.
- ۱۸- همان، ص ۱۲۲.
- ۱۹- همان، ص ۱۲۵.
- ۲۰- همان، ص ۱۵۵.
- ۲۱- همان، ص ۱۶۵.
- ۲۲- همان، ص ۱۷۹.
- ۲۳- همان، ص ۱۸۶.
- ۲۴- همان، ص ۱۹۸.
- ۲۵- همان، ص ۲۲۵.
- ۲۶- همان، ص ۲۶۳.
- ۲۷- همان، ص ۲۶۹.
- ۲۸- همان، ص ۲۹۵.
- ۲۹- همان، ص ۲۹۶.
- ۳۰- همان، ص ۲۹۹.
- ۳۱- همان، ص ۳۰۷.
- ۳۲- همان، ص ۳۰۷.
- ۳۳- همان، ص ۳۱۹.
- ۳۴- همان، ص ۳۲۲.
- ۳۵- همان، ص ۳۲۹.
- ۳۶- همان، ص ۳۳۳.
- ۳۷- همان، ص ۳۳۵.

باکو بود، پرداخته است. او ویژگی‌های سپاه محلی را که باید در برابر ارتش عثمانی مقاومت می‌کرد، این‌گونه برمی‌شمرد: «بسیار نامنظم بودند و به‌هیچ وجه در تحت اصول نظامی نبودند و مهمات زیادی هم نداشتند. خطوط دفاعی اگر چه مختصر سنگرهایی داشت، ولیکن به هیچ‌وجه محکم و عالی نبودند و چون نزدیک به شهر بودند، ممکن بود ترک‌ها شهر را به توپ ببندند.»^{۳۳} البته، افزون بر موارد بالا، کمی آذوقه، عدم تمرکز دفاعی نیروهای مدافع باکو و تعداد کم نیروهای انگلیسی (حدود هزار نفر) به فرماندهی دنسترویل را می‌توان از دیگر عوامل «سقوط باکو» دانست. آن‌جا که در نخستین برخوردهای میان مدافعان باکو (افراد محل، بولشویک‌ها و انگلیسی‌ها) و ارتش عثمانی، پیروزی از آن ترکان شد و کم‌کم تپه‌های اطراف شهر به تصرف آنان درآمد. دنسترویل که شاهد محاربات اخیر بود، گزارشی به دولت باکو نوشت و وضعیت نظامی را خاطر نشان کرد و گفت افراد انگلیسی قلیل هستند و رساندن قوای امدادی به آن‌ها میسر نیست.^{۳۴} البته، به رغم تلاش‌های دنسترویل برای دفاع از باکو، این شهر به دلایل پیش گفته، سقوط کرد و نیروهای انگلیسی با دادن تلفات بسیار و به رغم مخالفت دولت باکو و اهالی محلی، مجبور شدند آن‌جا را تخلیه کنند و باکو را به ارتش عثمانی واگذارند.

گزارش وضعیت دیگر جبهه‌های جنگ متحدین و متفقین در بیت‌المقدس و فرانسه، همراه با پیروزی انگلیس‌ها از دیگر موضوعات این بخش است.

«پیش‌رفت انگلیسی‌ها در جبهه دجله» عنوان بخش پایانی تألیف عباس میرزا است که در حقیقت، گزارشی از ماه‌های آخر جنگ بین‌النهرین و در دیدی وسیع‌تر، ترک مخاصمه بین انگلیس و عثمانی ارائه می‌دهد. با بروز نشانه‌های پیروزی در جبهه متفقین و تصرف شام و بلغارستان توسط ارتش انگلیس، در واقع چندان امیدی برای دولت عثمانی باقی نماند و مقامات عالی‌انگلیستان با درک این موضوع سعی داشتند که قبل از اعلام رسمی صلح و ترک مخاصمه توسط دولت عثمانی، قسمت‌های بیشتری از خاک عثمانی را به تصرف در بیاورند.^{۳۵} در این میان، جبهه بین‌النهرین از اهمیت مضاعفی برخوردار بود. شرح کوتاهی از نبردهای پایانی قوای ترک و انگلیس در این منطقه، که به فتح موصل انجامید، از دیگر مباحث این بخش است. فرمانفرمایان سرانجام با بیان این که «ترک‌ها که از هر طرف مغلوب شده بودند، پس از تسلیم بلغارستان، دیگر چاره‌ای به جز ترک محاربه و قبول صلح نداشتند [و] دولت انگلیس به آن‌ها اطلاع داد که مأموران رسمی خود را معین کنند و به امیرالبحر انگلیس در مقابل داردائل مراجعه کنند و شرایط متارکه جنگ را دریافت نمایند،^{۳۶} شرایط ترک محاربه طرفین جنگ را که در بیست و پنج ماده تنظیم شده بود و همچنین آمار از تعداد کل نیروهای انگلیسی حاضر در جنگ بین‌النهرین و تعداد کشته‌شدگان و زخمی‌های آنان در این چهار سال را گزارش می‌دهد.»^{۳۷}

از آن‌جا که تألیف «جنگ انگلیس و عثمانی در بین‌النهرین و عواقب آن در ایران» به هنگام جنگ جهانی اول صورت گرفته است، برخی واژه‌های به کار برده شده توسط مؤلف، امروز در زبان فارسی متداول